

نامه‌ی آیت‌الله میلانی

په اسدالله علم



ح. ا.

۱- مقدمه

آیت‌الله سیدمحمد مهدی میلانی از مراجع تقلید شیعه‌ی مقیم مشهد بود که ذکر او در شماره‌های پیشین این مجله به مناسبت تاثیرگذاری او در تاریخ سیاسی معاصر مکرر به میان آمده است و از جمله ضمن خاطرات زنده‌یاد استاد دکتر مهدی حایری یزدی در **حافظ** شماره‌ی ۳۱ گفته شد که وی حامل پیام آیت‌الله میلانی و آیت‌الله شریعتمداری برای امیر اسدالله علم (نخست‌وزیر وقت) در روزهای پس از ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ بوده است. اکنون اضافه می‌کنیم که:

یکی از مهم‌ترین زمینه‌های اختلاف روحانیت با «انقلاب شاه و مردم» (یا «انقلاب سفید»)، موضوع دادن حق رأی (انتخاب کردن و انتخاب شدن) به زنان و غیرمسلمانان در مصوبه‌ی ۱۴ مهر ۱۳۴۱ در «انجمن‌های ایالتی و ولایتی»، بود، چنان‌که آیت‌الله میلانی در ۱۳۴۱ توسط مهندس منوچهر میرزا سالور به امیر اسدالله علم (نخست‌وزیر وقت) در مخالفت با دادن حق رأی به بانوان پیامی فرستاده بود و نخست‌وزیر هم، قول داده بود که این موضوع را تعقیب نکند، اما سرانجام مشارکت زنان در انتخابات در دستور کار «انقلاب شاه و ملت» قرار گرفت و شد آنچه شد.

اکنون متن نامه‌ی که آیت‌الله میلانی در این باب به مهندس سالور نوشته است، برای ثبت در تاریخ در این شماره نقل می‌شود.

۲- متن نامه

«بسمه تعالی مجده - غره‌ی ج ۸۲/۲ [برابر] ۴۱/۸/۸

جناب آقای مهندس سالور دام عزه

السلام علیکم. امید همواره با صحت و عافیت قرین موجبات سعادت دنیا و آخرت باشید. بعد از آن‌که در چهل روز قبل تقریباً به جناب آقای نخست‌وزیر پیام حقیر را راجع به عدم صلاحیت شرکت بانوان در انتخابات رساندید، نامه‌ی به تاریخ ۴۱/۷/۷ مرقوم فرمودند بدین مضمون که پیام به‌توسط آقای مهندس سالور رسید و فعلاً موضوع منتفی ست. در جواب نامه اظهار امیدواری نمودم به این‌که در این فرصت و موقعیتی که دارند بتوانند جهات صلاح و اصلاح را تمشیت دهند و به تعظیم شعائر دین و آیین در همه‌ی مراحل دستور دهند. مجال، مساعد نشد به جناب‌عالی از رسیدن نامه و فرستادن جواب اطلاع دهم. سپس مسبوق شدم تصویب‌نامه‌ی از دولت در

مورد انجمن‌های ایالتی و ولایتی صادر شده بدون این‌که اسلام جزء شرایط انتخاب‌شدگان قرار داده شود و به‌جای قسم به قرآن مجید قسم به کتاب آسمانی نوشته شده است و از عدم شرکت بانوان نامی برده نشده است. اینک مزاحم می‌شود و خواستارم به‌حضور آقای نخست‌وزیر برسید و برسانید که این تصویب‌نامه بسی برخلاف انتظار بود. شایسته نیست هیات حاکمه‌ی ایران برخلاف رضایت حضرت بقیه‌الله ارواحنا فداه کاری را تمشیت دهند و به‌جای قدم‌های مفید و موثر در طریق ترقی و تعالی اقدامات دیگری بنمایند. قدمکر الذین من قبلهم فاتی الله بنیانهم من القواعد فخر علیهم السقف من فوقهم و اتیهم العذاب من حیث لا یشرعون. محمد مهدی الحسینی المیلانی.



۳- فواید رجالی

۱-۳- مهندس منوچهر سالور (متولد ۱۲۹۳)، نوه‌ی عبدالصمد میرزا عزالدوله‌ی قاجار (پسر محمدشاه قاجار)، تحصیلات خود را در دانشکده‌ی فنی دانشگاه تهران در رشته‌ی برق در ۱۳۱۷ به اتمام رسانید و به‌دلیل علاقه به صنایع سیمان‌سازی در این رشته وارد و متصدی خدمات بسیاری در سطح کشور در این زمینه شد. وی هم‌چنین عضو «انجمن آثار ملی» بود و پس از پیروزی انقلاب ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، رییس هیات مدیره‌ی انجمن آثار ملی («انجمن آثار و مفاخر فرهنگی» کنونی) شد. مهندس سالور هم‌چنین رییس «بنیاد پهلوی» (بنیاد علوی) شد که نه ماه پس از انقلاب تمام اموال منقول و غیرمنقول آن به بنیاد مستضعفین انتقال یافت.



شماره‌ی ۳۴ - شهریور ۱۳۸۵

HAFIZ MONTHLY



مهندس سالور از رجال متدین ایران و دارای روابط نزدیک با همه‌ی عالمان دینی از جمله پدر زنده‌یاد من بود.

۲-۳- آیت‌الله سیدمحمدهادی میلانی

مرحوم آیت‌الله سیدمحمدهادی میلانی از مراجع تقلید شیعه در عصر محمدرضاشاه پهلوی بود و سوابق مبارزه‌ی سیاسی داشت و هنگامی که آیت‌الله خمینی پس از وقایع ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ دستگیر و زندانی شد، به‌همراه دیگر مراجع، مرجعیت آیت‌الله خمینی را تصدیق کرد و در نتیجه رژیم سابق از سخت‌گیری بیش‌تر نسبت به ایشان صرف نظر کرد و به تبعید ایشان به ترکیه اکتفا نمود.

۳-۳- امیر اسدالله علم

امیر اسدالله علم (نخست‌وزیر وقت) که خاطرات او به کوشش دکتر علینقی عالیخانی در خارج از کشور به چاپ رسیده است، فرزند امیر شوکه‌الملک علم (حاکم قائنات) بود. او در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ در تهران حکومت نظامی اعلام کرد در پاسخ شاه که گفته بود، مردم را به گلوله نیندند، گفت: «شما شاه هستید، من نخست‌وزیر و مسوول امنیت کشور. به هر طریقی که بتوانم مردم را ساکت خواهیم کرد. اگر موفق شدم، شما هم‌چنان شاه خواهید بود، اگر شکست بخورم، می‌توانید مرا دار بزیند و باز هم‌چنان شاه خواهید بود». (ویلیام شوکراس، آخرین سفر شاه، ترجمه‌ی عبدالرضا هوشنگ مهدوی، الیرز، ۱۳۶۹، ص ۱۳۴)

۴- فواید تاریخی

نامه‌ی حاضر، مورخ ۱۳۴۱/۸/۸ است که از جهت تاریخی مربوط به وقایع خطیری می‌شود که پس از سقوط کابینه‌ی دکتر علی امینی در مسیر «انقلاب شاه و مردم» از طریق رفراندوم ششم بهمن ۱۳۴۱ برنامه‌ریزی شد. «لایحه‌ی انجمن‌های ایالتی و ولایتی» که آیت‌الله میلانی در این نامه به آن اشاره کرده است، در ۱۴ مهر ۱۳۴۱ در هیات دولت به تصویب رسیده بود. اهمیت این لایحه در این بود که:

اولاً، زنان نیز حق انتخاب کردن و انتخاب شدن می‌داد.

ثانیاً، واژه‌ی «اسلام» را از شرایط انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان حذف کرده بود.

ثالثاً، به‌جای آن‌که برای مراسم تحلیف به «قرآن» تصریح شود، از «کتاب آسمانی» به طور مطلق یاد می‌کرد که البته اعم از «قرآن» است و مطابق عقیده‌ی هر شهروند ایرانی، ممکن بود متفاوت بلکه مخالف قرآن باشد.

مراجع و روحانیون تهران و شهرستان‌ها (از جمله آیات عظام: خمینی، شریعتمداری، مرعشی نجفی، و گلپایگانی از قم، میلانی و قمی از مشهد، محلاتی از شیراز، سیدمحمد وحیدی از تبریز، شیخ

محمدعلی بروجردی از بروجرد و... با ارسال نامه‌ها، تلگراف‌ها، پیام‌های خصوصی به حاکمیت وقت که اغلب خطاب به شخص شاه بود، مخالفت خود را با این برنامه اعلام کردند و شاه پاسخی دسته‌جمعی به چهار تن از مراجع قم مخابره کرد و موضوع را به دولت (کابینه‌ی علم) محول نمود؛ علم هم به این اعتراضات وقعی ننهاد و گاهی با پیام‌های خصوصی و فردی محترمانه به اسکات ایشان کوشید که نمونه‌ی آن در همین نامه به آیت‌الله میلانی نمایان است. علم در عین حال در برابر تندگی بعضی از علماء در یکی از سخنرانی‌های خود «هرگونه اخلاص‌گری» را محکوم کرد و با محکوم کردن تحرکات مذهبیون، تصریح کرد که: «چرخ زمان به عقب برنمی‌گردد و دولت از برنامه‌ی اصلاحاتی که در دست اجرا دارد، عقب‌نشینی نمی‌کند». اما سرانجام بر اثر مخالفت روحانیت مجبور به الغای آن شد و در هشتم آذر ۱۳۴۱ تلگراف زیر را به روحانیون مخابره کرد: «عطف به مرقومه (تلگراف) جناب عالی و سایر آقایان روحانیون و مراجع محترم، موضوع انتخابات انجمن‌های ایالتی و ولایتی در جلسه‌ی دولت مطرح و تصویب شد که تصویب نامه‌ی مورخ ۱۳۴۱/۷/۱۴ قابل اجرا نخواهد بود. نخست‌وزیر. اسدالله علم».



از راست: نر اول پروفیسور امین، نر سوم، مهندس منوچهر میرزا سالور